

سرنوشت ابراهیم مالک اشتر بعد از شهادت مختار چه بود؟

از افرادی که در تاریخ برای خود یل و قدرت عظیمی بود و بزرگان پیرامون او بسیار سخن گفته‌اند ...



از افرادی که در تاریخ برای خود یل و قدرت عظیمی بود و بزرگان پیرامون او بسیار سخن گفته‌اند ، ابراهیم بن مالک اشتر می‌باشد که در این مقاله به آشنایی بیشتر پسر مالک اشتر ، آن مرد رزم آور و شجاع سپاه علی (ع) می‌پردازیم . ابراهیم فرزند برومند مالک اشتر یار صمیمی و صحابی خاص امیرالمؤمنین علی(ع) است.[1] ابراهیم سرور قبیله نخع و یکه تاز آنان[2] از فرماندهان شریف و با سیادت بود که به شجاعت و تدبیر مشهور بود.[3] بسیاری از مورخان او را در شجاعت ستوده‌اند.[4] و از قهرمانی‌ها و شجاعت‌هایش در میدان جنگ که به مانند صاعقه بی‌امان بر قلب دشمن می‌تاخت و از یمین و یسار از کشته پشته می‌ساخت با شگفتی یاد کرده، سخن‌ها گفته‌اند. از دیگر مواردی که مورخان در وصف شجاعتش گفته‌اند، حضور او در جنگ صفین است. او با وجود آن که نوجوانی کم سن و سال بود، در این جنگ حضور یافت و در کنار امیرالمؤمنین(ع) و پدرش مالک اشتر رشادت‌ها از خود نشان داد.[5] ابراهیم نه تنها در شجاعت و شهامت ؛ بلکه در سخاوت و جوانمردی و ایمان و اخلاق و محبت به اهل بیت(ع) نیز برترین مردم عراق بود .[6]

علامه سید محسن امین نیز او را در کتابش اعیان الشیعه چنین می‌ستاید:
 171#؛ ابراهیم مردی شجاع، سلحشور، با شهامت، صف شکن و رئیس بود، او دارای طبعی عالی و همتی بلند و طرفدار حق بود و دارای طبع شعر و زبانی فصیح و هوادار و دوستدار خاندان عصمت و طهارت(ع)؛ همان گونه که پدرش مالک اشتر نیز دارای چنین صفات و امتیازات عالی بود و حق هم همین است که چنین فرزندی مجسمه چنین پدری باشد .[7]؛ raquo؛ ابراهیم و قیام مختار یکی از افرادی که در قیام مختار نقش مهم و مؤثری داشت ، ابراهیم ابن مالک اشتر بود که به جرأت می‌توان گفت که در این قیام نقشی فعال داشت .

چهره‌ای مانند ابراهیم موجبات اعتلای هر چه بیشتر مختار را فراهم آورده بود و موفقیت‌های بسیاری را نصیب قیام کرده بود. شخصیت نافذ ابراهیم و فکر بلند و شجاعت و کاردانی او در امور جنگ از یک سو و علاقه شدید و اخلاص او نسبت به ساحت مقدس اهل بیت پیامبر(ص) از سوی دیگر و سایر صفات برجسته‌ای که در وجود ابراهیم جمع شده بود، مختار و سران شیعه عراق را به پیوستن او به قیام امیدوار کرده بود. آن‌ها او را مایه امید و پشتیبانی قوی و فرماندهی لایق برای قیام می‌دانستند،[8] پس تصمیم گرفتند که با ابراهیم ملاقات و او را به قیام دعوت نمایند ؛ از این رو پس از فراهم آمدن مقدمات قیام و پیش از اعلان آن تنی چند از سران شیعه با مختار ملاقات کردند و پیشنهاد دادند که اگر مردی چون ابراهیم فرزند مالک اشتر به ما بپیوندد، امید زیادی به پیروزی خواهیم داشت.

مختار از این پیشنهاد استقبال کرد و آن‌ها را نزد ابراهیم فرستاد تا مسأله را با او در میان بگذارند. در مذاکراتی که بین سران و مختار با ابراهیم پیش آمد ، آن‌ها نزد ابراهیم رفتند و ضمن بیان موضوع هدف از قیام خود را تنها خون خواهی امام حسین(ع) و اهل بیت او بیان کرده و متذکر شدند که از سوی اهل بیت پیامبر(ص) در این کار اجازه نیز دارند . ابراهیم در این جلسه در پاسخ به بزرگان کوفه شرط کرد که در صورتی دعوتشان را می‌پذیرد که فرماندهی قیام با او باشد؛ اما سران شیعه نپذیرفته، رهبر قیام را مختار معرفی کردند که از سوی محمد بن حنفیه عهده‌دار این امر گردیده است.[9]

سه روز پس از این جلسه مختار و ده نفر از سران قوم به خانه ابراهیم رفتند، پس از تعارفات معمول مختار، نامه‌ای به ابراهیم داد و مدعی شد که نامه حنفیه است که برای ابراهیم فرستاده است.[10]

ابراهیم به جهت عنوان نام 171#؛ مهدی؛ raquo؛ بعد از نام محمد حنفیه، در صحت نامه تردید کرد؛ اما مختار و بزرگانی که همراه مختار آمده بودند، به صحت مفاد نامه شهادت دادند.[11] ابراهیم پذیرفت و با مختار بیعت کرد و به همراه او قیام بزرگ شیعیان عراق را به راه‌انداخت . او پس از آغاز قیام و بدست گرفتن امور

کوفه به عنوان فرمانده کل سپاه مختار انتخاب شده، اقدامات بسیاری را در کوفه و عراق به انجام رسانید .

بارزترین عرصه ظهور ابراهیم

جنگ نهر خازر بارزترین عرصه ظهور و بروز قابلیت‌های فرماندهی‌این فرمانده شجاع بود. دراین جنگ سپاه بیست هزار نفری عراق بر لشکر هشتاد و سه هزار نفری شام به فرماندهی عبیدالله بن زیاد فائق آمد و ابن زیاد نیز در نبردی تن به تن با ابراهیم کشته شد [12].

ابراهیم بعد از اتمام کار از موصل به نصیبین رفت و کارگزاران خود را به نواحی مختلف جزیره فرستاد و آنجا را فتح کرد. [13] دشمن از هر ابزاری

برای تفرقه استفاده می‌کند !

در میان راه دشمن، در میان مختار و ابراهیم اختلاف افکنده و به تفرقه افکنی پرداخت. این حيله دشمن موجب شد که میان ابراهیم و مختار جدایی و فاصله ایجاد شده و گویا ابراهیم در ادامه کار از نهضت مختار کناره گرفته بود، ازاین رو در پی حادثه حمله مصعب بن زبیر در پیوستن به مختار تعلل و سستی می‌ورزید [14] و حتی گفته شده به نامه‌های مکرر و پشت سر هم مختار پس از شکست اولیه اش از قوای مصعب ، توجهی نکرده، نزد او باز نگشت . [15]

همین کناره گیری او از مختار باعث شده بود که بعد از شهادت مختار ، مصعب بن زبیر از یک سو و عبدالملک مروان از سوی دیگر در او طمع ببندند تا ابراهیم را که مردی پر نفوذ و مدیر بود، با خود همراه سازند ؛ ازاین رو مصعب نامه‌ای به ابراهیم نوشته به او وعده داد که در صورتی که حکومت ابن زبیر را بپذیرد، امارت مناطق شمالی عراق را به او می‌سپارد . [16] نامه ی مشابهی نیز از سوی عبدالملک مروان - خلیفه اموی شام - به دست ابراهیم رسید. ابراهیم با یاران و مشاورانش دراین باب به مشورت پرداخت و سرانجام تصمیم گرفت با مصعب بن زبیر همراه شود، پس نامه‌ای به مصعب نوشت و با گروهی از یاران خود از موصل یا نصیبین - مقر حکومت خود - حرکت کرد و به کوفه آمد و با مصعب ملاقات کرد . [17]

سرانجام ابراهیم در سال 72 هجری در

پی شکست لشکر عراق از سپاهیان

عبدالملک مروان که برای تصرف عراق به جنگ مصعب بن عمیر فرستاده شده بودند، در 13 جمادی الاولی در سن چهل سالگی کشته شد [18]-[19] و نزدیک سامراء به خاک سپرده شد . [20]

پی نوشت‌ها :

[1] ابن حزم اندلسی؛ جمهرة انساب العرب،

دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418، ص 415 و طبری؛

تاریخ الطبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، 1967، ج 11، ص 664.

[2] امین؛ محسن؛ اعیان الشیعه،

چاپ اول 1983، ج 2، ص 200

[3] ذهبی؛ تاریخ اسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، چاپ دوم، 1993، ج 5، ص 344.

[4] بلاذری؛ انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج 6، ص 389 و تاریخ الطبری، پیشین، ج 6، ص 19 و مسکویه، ابو علی؛

تجارت الامم، تحقیق ابوالقاسم امامی، ج 2، ص 148.

[5] منقری، نصر بن مزاحم؛ وقعة صفین، تحقیق عبد السلام محمد هارون، ص 441 و ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه، ج 8، ص 81.

[6] اعیان الشیعه، پیشین، ص 200.

[7] همان ، ج 2، ص 200.

[8] انساب الاشراف، پیشین، ص 385 و

تاریخ الطبری، پیشین، ج 6، ص 30 و تجارت الامم، پیشین، ص 141 و اخبار الطوال، پیشین، ص 288.

[9] تجارت الامم، پیشین، ص 142، 143 و تاریخ الطبری، پیشین، ص 15-16 و ابن اعثم کوفی؛ الفتوح،

تحقیق علی شیر، چاپ اول، 1991، ص 229.

[10] انساب الاشراف، پیشین، ص 385، 386 و تاریخ الطبری، پیشین، ص 16-17 و ابن اثیر؛ الكامل فی التاریخ، ج 4، ص 215.

[11] همان و انساب الاشراف، پیشین، ص 385 - 386 و الكامل، پیشین، ص 215.

[12] الكامل، پیشین، ص 261 و تاریخ الطبری، پیشین، ص 86.

[13] انساب الاشراف، پیشین، ص 447 و

تاریخ الطبری، پیشین، ص 92 و اخبار الطوال، پیشین، ص 296 و تجارب الامم، پیشین، ص 236.

[14] تاریخ الطبری، پیشین، ص 95.

[15] الفتوح، پیشین، ج 6، ص 287.

[17] الكامل، پیشین، ص 275 و الفتوح،

پیشین، ص 294 و تجارت الامم، پیشین، ص 213.

[18] انساب الاشراف، پیشین، ج 7، ص 91 و الكامل، پیشین، ج 4، ص 326 و تجارب الامم، پیشین، ص 236.

[19] البته این سن با توجه به روایت منقری و ابن ابی الحدید که او را با وجود سن کمش، یکی از حاضرین در جنگ صفین می‌دانند بعید به نظر می‌رسد. وقعه صفین، پیشین، ص 441 و

شرح نهج البلاغه، پیشین، ص 81.
[20] زرکلی، خیرالدین؛ 1986، ج 1، ص 58.
فرآوری : گروه دین تبیان / زهرا اجلال
منابع : - مقاله‌ای از : سید علی اکبر حسینی، «با عنوان از ابراهیم ابن مالک اشتر چه می‌دانید ؟«
* سایت حوزه ، مقاله‌ای با عنوان
"ابراهیم بن مالک اشتر ، افسر سلحشور "